

۵. این نکته که فردوسی تا مرگ محمود در نزد خلیفه ماند نادرستی اش آشکار است، زیرا فردوسی در ۴۱۱ یا ۴۱۶ و به هر صورت پیش از محمود (درگذشته ۴۲۱ هـ.ق) در طوس درگذشته است. اگرچه نیازی به این توضیح نیست، چون که اصولاً رفتن فردوسی به بغداد از بیخ و بن دروغ است.<sup>۶</sup>

۶. صحیح‌ترین نکته در این مقدمه، ذکر احمد بن حسن میمندی به عنوان معاند اصلی فردوسی است، برعکس همه منابع متأخری که میمندی را حامی فردوسی قلمداد کرده‌اند.

۷. روایت به نظم آوردن عنصری داستان رستم و سهراب را ظاهراً نخستین بار در این مقدمه آمده و در منابع بعدی تکرار شده است.

۸. این مقدمه یکی از دو منبع قدیمی است که در آن حکایت خواب فردوسی آمده که رستم محل گنجی را به او نشان داده است، و به موجب منابع بعدی وقتی گنج پیدا شده فردوسی آن را میان شاعران قسمت کرده و خود دیناری بر نداشته است. این حکایت همزمان با این مقدمه یا اندکی پیش یا پس از آن در عجایب‌المخلوقات نجیب‌الدین همدانی<sup>۷</sup> (تألیف شده در حدود ۵۶۵ هـ.ق) نیز آمده، و بعدها ابن‌یمین شاعر قرن هشتم هجری ضمن قطعه‌ای آن را به نظم آورده است.<sup>۸</sup>

۹. آخرین نکته‌ای که باید گفت وجود تعبیرات کهن پیش از مغول است که در دست‌نویس فلورانس بیشتر و در نسخه طوپ‌قاپوسرای کمتر به چشم می‌خورد، و این همه دیرینگی نوشته را می‌رساند. قدمت مقدمه قرینه‌ای بر قدمت و اعتبار نسخه فلورانس است.

از آن جمله است افعال کهن: نفرستادمانی، مجلسی از نوساختی، پوشیده نماندندی، و فعل بیان خواب «گفتی» و نیز تعبیرات کهن: آفرین (= مدح و ستایش)، ایستادن (= بودن)، بازخانه رفتن، با شعر کردن (= به شعر در آوردن) بیودن (= شدن) به صلاح باز آوردن، بلعجب کار (= شعبده باز)، براندیشیدن، پگاه‌تر، جاوید زیاد، چندین (= اینهمه)، خالی نشستن، خوش منش (= خوشوقت، خوش طبع)، دبیران ایستاده، در رفتن (= داخل شدن)، در ساعت (= فوراً) دست باز داشتن (= رها کردن)، سگالیده آید، شاخی و بیخی نهادن (= شاخ و برگ دادن)، صورت بستن (= تصور شدن)، فراخ سخن، قصه (= عرض حال)، کار تو فردا بر آید، گردانیدن (= عوض کردن)، در تدبیر کار کسی ایستادن، برگ بساختن، راه از پس پشت کردن، برسیدن طاقت کسی، دبیرستان (= مکتبخانه)، خواهستن و کشستن (= به جای خواستن و کشیدن در نسخه مورخ ۹۰۳).

متن کامل این مقدمه در نسخه شماره H. 1510 کتابخانه موزه طوپ‌قاپوسرای استانبول، مورخ ۹۰۳ هـ.ق به خط «منصور بن محمد بن ورقه بن عمر بختیار بهبهانی من اعمال جبل جیلویه» باقی مانده است که میکروفیلمی از مقدمه آن در اختیار من است و شاید در دست‌نویس‌های دیگر هم موجود باشد [...].

دکتر محمدامین ریاحی

<sup>۷</sup> عجایب‌المخلوقات، به اهتمام دکتر منوچهر ستوده، ص ۴۷۳.

<sup>۸</sup> مجمل فصیحی، چاپ محمود فرخ، ج ۲، ص ۱۱۳.

## شاهنامه فردوسی مورخ ۶۱۴ هـ.ق و نسخه تفسیر قرآن در فلورانس\*

خرد رهنمای و خرد دلگشای خرد دست گیرد به هر دو سرای

عطف به مقاله «دو نکته درباره شاهنامه فلورانس» نگارش جناب آقای دکتر محمد روشن در نامه بهارستان (سال سوم، شماره دوم، دفتر ۶، پاییز - زمستان ۱۳۸۱)، ص ۳۷۵/۳۷۶. برای آگاهی مسئولان محترم و خوانندگان گرامی مجله ملاحظه می‌کنم که تا آنگاهی که آن دفتر ششم توسط پست (۱۵ اکتبر ۲۰۰۳) به دستم رسید از انتشار مقاله نگارنده نامبرده کاملاً بی‌خبر بودم. از قول او شگفتیدم.

خاطر نشان می‌کنم که کلیه گفته‌هایی که آقای محمد روشن ادعا می‌نماید آنها را چهارشنبه ۲۳ خرداد ۱۳۶۹ (۱۳ ژوئن ۱۹۹۰) در سفارتخانه ایتالیا در ایران از لب من شنید و سپس به راحتی یادداشت کرد گزارش دقیق و صحیح از سخنان و مفاهیم من نمی‌باشد.

علی‌رغم اینکه سخنم به زبان فارسی بود، هر جمله‌یی که وی به طور تحت‌اللفظی به من نسبت داد باز گوینده قلم خود نگارنده است و کلمه به کلمه، مفهوم به مفهوم، بازتاب دهنده بیان و فکر خودم نیست. یادداشت او معانی و موارد مرا به درستی منعکس نکرد و نتیجه چهره این جانب را دگرگون نمود. این تحقیق نیست بلکه تحقیر است.

روز ۲۳ خرداد ۱۳۶۹ (۱۳ ژوئن ۱۹۹۰) موجب تشریف آوردن آقای روشن به دفتر رایزن فرهنگی سفارت ایتالیا در تهران، که به عهده این جانب می‌گذاشت، قرار مصاحبه مطبوعاتی یا تشکیل جلسه علمی نبود. مورد اصلی تشریف داشتن او، ساعت ۹ صبح، درخواست وی از اقدامات لازمه به عمل آوردن تسهیلات اداری مساعد صدور روادید بود. برنامه مسافرتش بازدید دختر وی، دانشجو در شهر آنکونا، و دیدار کوتاه «شاهنامه فلورانس» بود. همان روز با کمال میل این خدمت را انجام دادم و به سمت رایزن فرهنگی معرفی‌نامه را به سرکار خانم دکتر کارلا گویدوچی بونانی (Carla Guiducci Bonanni) ریاست کتابخانه ملی مرکزی فلورانس، نوشتم و رونوشت را به کنسولگری ایتالیا در تهران تحویل کردم تا روادید صادر شود. جناب آقای محمود بروجرودی رئیس مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی با نامه به تاریخ ۶ تیر ۶۹ (۲۷ ژوئن ۱۹۹۰) رسماً صدور روادید را از آن کنسولگری درخواست کردند.

آقای محمد روشن یادداشت کرد که ۲۲ خرداد ۱۳۶۹ آقای محمود بروجرودی به وی گفته بودند که دیدار نسخه فلورانس «فقط به اجازه آقای پیه‌مونتسه و با موافقت او ممکن است». این گمان ناشی از مبالغه و شایعه هم است زیرا البته خودم مالک نسخه و ارباب فلورانس نبودم و نیز بنابر قانون و مقررات کتابداری ایتالیا رییس کتابخانه یا معاونش است که به دانشمندان هم ایتالیایی هم خارجی دارای شناسنامه معتبری اجازه مراجعه به یک نسخه خطی را می‌دهد.

گواهی کلیه اظهارات و بیان این جانب درباره نسخه شاهنامه مورخ ۶۱۴ هـ.ق. و از دهگان اول قرن هفدهم میلادی نگه‌داشته در فلورانس عبارت است از گزارش‌های علمی را که پیرامون وجود،

\* این نامه مقاله‌گونه را پروفیسور دکتر پیه‌مونتسه به فارسی نوشته است، و چون یادگاریست از یکی از ایرانیان نامی ایتالیا عیناً و بدون هیچ تغییری در اینجا به چاپ می‌رسد. «نامه بهارستان»

نگهداری، هویت، تاریخ و برجستگی آن نوشتن و همه دانشمندان می‌توانند رسیدگی کنند:  
 'Nuova luce su Firdawsi. Uno "Šāhnāma" datato 614 H./ 1217 a Firenze', in *Annali dell'Istituto Orientale di Napoli* 40 (n. s. XXX), 1980, pp. 1-38, 189-242, ill. 10.

«Les fonds des manuscrits persans conservés dans les bibliothèques d'Italie», in *Journal Asiatique* CCLXX, 1982, pp. 273-293.

*Catalogo dei manoscritti persiani conservati nelle biblioteche d'Italia*, Roma 1989, pp. 112-115.

«Histoire et paléographie du Šahnameh de Florence», in *Luqmān*, a. VI, n. 2, n. série 12, Tehran, printemps-été 1990, pp. 53-64, ill. 2.

نظر به دو نکته‌یی که آقای محمد روشن به آنها اشاره کرد از جمله در *Catalogo* مطالب را به شرح زیر نشان داده بودم.

روی برگ پسین نسخه‌یی که دارای شماره ثبت Cl. III. 24 است یک کتابداری از دهگان اول قرن هفدهم م. این اطلاع را یادداشت کرد: "N. 76 Portato da Girol. Vecchietti dal Cairo" یعنی: «شماره ۷۶ آورده از جیرولا مو و کییتی از القاهره».

جیرولامو/ جیرولامو و کییتی (Girolamo/Gerolamo Vecchietti) دانشمند و سیاح نامدار، در سال‌های ۱۵۹۰، ۱۵۹۱، ۱۵۹۴ و ۱۵۹۷ م. در القاهره و مصر برخی مأموریت‌هایی مهم را انجام داد و چندین نسخه خطی عربی، قبطی و به زبان‌های دیگر را به رم و ایتالیا آورد. او در ایران هم (۱۶۰۵ - ۱۶۰۳ م.) مسافرت کرد. همان‌طور برادرش جوانی باتیستا و کییتی (Giovanni Battista Vecchietti) ایرانشناس [سیاح] نامدار چندین نسخه خطی فارسی را از ایران به رم و ایتالیا آورد. نسخه خطی جالب و فراوانی که از دو برادر و کییتی جمع‌آوری شد اکنون در کتابخانه‌های واتیکان، مدیچئا لا ژوره نزیانای فلورانس (Medicea Laurenziana)، ملی مرکزی فلورانس، ملی ناپل، ملی فرانسه نگه‌داشته می‌شود، رجوع شود به:

Roberto Almagià, «Giovanni Battista e Gerolamo Vecchietti viaggiatori in Oriente», in *Atti della Accademia Nazionale dei Lincei. Rendiconti, classe di scienze morali, serie VIII*, vol. XI, 1956, pp. 313-345.

Francis Richard, «Les manuscrits persans rapportés par les frères Vecchietti et aujourd'hui à la Bibliothèque Nationale», in *Studia Iranica* 9, 1980, pp. 291-300.

*Catalogo* p. 37-40, 45, 113-114.

جوانی تارجونی توزتی (Giovanni Targioni Tozzetti)، نگارنده فهرست دست‌نوشته نسخه خطی کتابخانه ملی مرکزی فلورانس در نیمه دوم قرن هیجدهم م. نسخه Cl. III. 24 را به زبان لاتین همچنین ثبت کرد:

«In Muhammedis Alkoranum Commentarius incerti Auct. Arab. Ex fide: D Steph: Evodii Assemani [...] N. 76, sed catalogo Herbelothiano non respondet». (*Catalogo*, p. 115).

یعنی: «تفسیر قرآن محمدی از مؤلف گمنام به زبان عربی. به قول آقای استف اوودیوس اسمانوس شماره ۷۶ ولی با فهرست هربلوت (Herbelot) مطابقت ندارد».

ستفانوس اوودیوس اسمانوس (Stephanus Evodius Assemanus) خاورشناس نامی در سال ۱۷۴۲ م. فهرست نسخه‌های خطی خاوری کتابخانه Medicea Laurenziana را به انجام و چاپ در فلورانس رساند.

بارتلمی د'هربلوت (Barthelemi d'Herbelot) خاورشناس نامدار فرانسه در سال ۱۶۶۶ م. نسخه‌های خطی خاوری مجموعه آل مدیچی (Medici) را در فلورانس فهرست کرده بود. (*Catalogo*, p. 43).

متعاقباً قول اشتباهی اسمانوس (Assemanus) نقل شد و بنا بر ذکر تارجونی توزتی (Targioni Tozzetti)، در فهرست رسمی نسخ خطی کتابخانه ملی مرکزی فلورانس، چاپ ۱۹۰۲ - ۱۹۰۳، نسخه Cl. III. 24 باز هم به عنوان "Comento arabo, adesp. all'Alcorano" یعنی: «تفسیر عربی قرآن فاقد آغاز» ثبت شد. رجوع شود به:

Giuseppe Mazzatinti-Fortunato Pintor, *Inventari dei manoscritti delle Biblioteche d'Italia*, vol. XII, Firenze (R. Biblioteca Nazionale Centrale), Forli 1902-03, p. 106.

آشکارا در طی قرون هیچ کتابدار، فهرست‌نویس، خواننده، خاورشناس و ایرانشناسی متوجه هویت نسخه نشد و آن نخوانده هم ماند. در همان کتابخانه نسخه (Cl. III. 106) II. III. 12 را خوانده بودم. عنوان آن «از تفسیر فارسی قرآن» (برگ ۱ الف) و محتوی یک واژه‌نامه فارسی - ایتالیایی - لاتین شامل تنها ۲۹ تا مدخل می‌باشد. اینک نشر کامل متن جالب حساس این نسخه:

برگ	از تفسیر فارسی قرآن			
1	ا	اسمان	il cielo	3-15
		ابد. ابداً	semper	3-15
17	ب	بی	senza, absque, sine	3-14
33	پ	پناه	ombra	12
44	ج	جنان	il paradiso	3-14
65	خ	خداوند	Dominus	
		خدای	Deus	4-1
81	د	دیو	demonio	3-13
		دور	lontano	
97	ر	راننده	cacciato, expulsus	
		ریاض	la bellezza	3-14
		رمیده		3-14
113	س	سرکش	capotirato, gonfio, superbo	3-13
129	ش	شد		
		شده	factus	3-14
145		شره	malum	3-15
161	غ	غش	la nausea	3-14
177	ف	فریبنده	deceptor	3-13
191		گشت		
		گشته	factus	3-15
205	ن	نام	nomen	4-1
219	م	مانده	restato	
		معبود	adorato, seruito	
		مینهایم	mostro	
		میگیرم	piglio	
231	ه	هر	omnis, omne	
245	و	وسوسه	tentationes	
257	ی	یا	òuero, uel, siue, seu	

جوانی باتیستارایموندی (Giovanni Battista Raimondi) خاورشناس و ایرانشناس نامدار (ناپل در حدود ۱۵۳۶ - رم ۱۶۱۴م.) به منظور تدوین یک فرهنگ سه‌زبانه این واژه‌نامه مبنی بر نسخه یک تفسیر فارسی قرآن را در رم نوشت (Catalogo, p. 123-124). رایموندی که مدیر چاپخانه خاوری‌مدیچنا (Stamperia Orientale Medicea) (آل‌مدیچی تأمین‌کننده، تاریخ بنیادگذاری ۱۵۸۴م.) واقع در شهر رم بود نسخه‌های متعددی را که برادران و کییتی از ایران، مصر و کشورهای دیگری می‌آوردند جمع‌آوری و مطالعه می‌کرد (Catalogo, p. 37-46, 110-111). کوشیدم در کتابخانه‌های رم و فلورانس نسخه اصلی آن تفسیر فارسی قرآن را پیدا کنم اما آن را پی نبردم چون از دست رفته است. به عوض ثمر آن، ماه سپتامبر ۱۹۷۸م. در کتابخانه ملی مرکزی فلورانس نسخه Cl. III. 24 شاهنامه فردوسی مورخ ۶۱۴ه.ق. را دیدم و آن را مطالعه کردم، شناختم و شناساندم. بی‌درنگ سرکار خانم دکتر آنتونینا مونت (Antonina Montini) رئیس بخش مخطوطات کتابخانه را مطلع کردم که نسخه شامل تفسیر عربی قرآن نبود بلکه نمونه تحسین برانگیز، بهادار و بسیار مهم شاهنامه فردوسی است. نخستین خبر عمومی بازیافت این نسخه شاهنامه فردوسی را روزنامه *la Repubblica* ('جمهوری') رم، چهارشنبه ۲۷ ماه دسامبر ۱۹۷۸، ص ۲۸ (آخری)، چاپ کرد. همان روز شبکه اول تلویزیون ایتالیا (R.A.I. TV) هم خبر را پخش کرد. در ایران رویدادهای انقلاب بود. پیرامون دیباچه منثور و مذهب نسخه Cl. III. 24 شاهنامه فردوسی مورخ ۶۱۴ه.ق. این را به شرح زیر نوشتم:

«In Particolare, come fonte del genere, si prospetta quale antecedente della celebre prefazione del principe e letterato timuride Baysungur, che segnò un'epoca (829 H./1425) nella storia editoriale del poema.» (Catalogo, p.112).

یعنی: «مخصوصاً به نظر می‌رسد که (دیباچه) به‌عنوان این‌گونه منبع، یک نمونه پیشین مقدمه مشهور بایسنغر شاهزاده و ادیب تیموری که اثر عهدی (۸۲۹ه./۱۴۴۵م.) در تاریخ ویرایش منظومه گذاشت می‌باشد». پیرامون حواشی و نوشته‌هایی که زیر فضای انجامه نسخه دیده می‌شود این را به شرح زیر نوشتم:

«Postille turche nella prima cinquantina di ff. (es. 20r, 37r). Segni di collazione (sorta di asterischi) apposti negli interstizi delle colonne del testo, e indicanti in genere versi e lezioni inusuali (es. f. 30r).

Sono forse di mano di Axī Muhammad b. Axī ... lettore che ha apposto due note (l'inchiostro appare molto scolorito) al centro e nel margine destro di f. 264v, sotto lo spazio occupato dal colophon. Sembra di leggervi una data 632 H./1234, con la citazione di un Amir Nadr Allah (?), all'epoca defunto.

È forse da indursi la produzione, certo almeno una circolazione del codice in ambito turco-anatolico, ove era attiva la confraternita degli Axī; e da ipotizzare una provenienza dall'Iran occidentale, o Iraq persiano[...].

Nel margine sinistro, sotto la linea del colophon, e in calce al f. 264v, sono apposti inoltre un paio di versi persiani, a firma ripetuta, di Nizām (i) Kasī.» (Catalogo, p. 114).

یعنی: «حاشیه‌ها به زبان ترکی در حدود پنجاه تا برگ اول (مثلاً برگ ۲۰ الف، ۳۷ الف). علایم مقابله (یک گونه علامت ستاره) در لای دو ستون متن افزوده شد و آنها شاخص ابیات و ضبط‌های جالب توجه (مثلاً برگ ۳۰ الف) است.

آنها شاید به دست اخی محمد بن اخی ... نوشته شد، این خواننده در وسط و در حاشیه برگ ۲۶۴ ب زیر فضای انجامه دو یادداشت را (جوهر آن بسیار کم رنگ پدیدار است) گذاشت. به نظر می‌آید که یک تاریخی ۶۳۲ه./۱۲۳۴م. خواننده شود همراه ذکر شخص به نام امیر نذرالله (؟) که در آن دوره در گذشته بود. شاید می‌بایستی استنباط کرد که پیدایش نسخه دست کم یقیناً جریان آن در محیط ترک اناتولی بود. در آن طریقت اخی‌ها فعال بود. شاید می‌بایستی هم فرض کرد که جایگاه پیدایش نسخه ایران غربی و یا عراق عجم بود [...].

و نیز زیر سطر انجامه در حاشیه چپ و پایین برگ ۲۶۴ ب یک جفت ابیات فارسی را با امضای مکرر نظام کاشی افزوده شد.

جناب آقای محمد روشن، سطر دوم مقاله فوق‌الذکر، «دیدار نخستین» خود با این جانب را آغاز کرد یادداشت می‌نماید ولی تا پایان همین مقاله یادآور هیچ دیدار دیگری نمی‌گردد. دفعه دوم و تاکنون آخرین باری که فرصت داشتم وی را ببینم به مناسبت برگزاری کنگره جهانی بزرگداشت فردوسی (دانشگاه تهران، ۱۳۶۹) بود.

یکشنبه ۲ دی ۱۳۶۹ (۲۳ ماه دسامبر ۱۹۹۰)، ساعت ۴۵: ۱۷، در شعبه دوم کنگره، سالن ۲۳۴ دانشکده ادبیات و علوم انسانی آن دانشگاه، سخنرانی آقای محمد روشن «شاهنامه کتابخانه فلورانس» را شنیدم. سخنران اظهار داشت که نسخه جعل است. اساتید ایرانی، خارجی، ایتالیایی متعددی هم حضور داشتند. اجازه خواستم و از پشت تریبون در ملاء عام به نظر آقای روشن پاسخ دادم. اصالت آشکار نسخه شاهنامه فردوسی مورخ ۶۱۴ه.ق. را دفاع کردم. دلیل مستند و مواردی را که خدمت همه حاضران ایراد کردم همین بود که اینجا قسماً و به‌طور خلاصه در نامه بهارستان، سال دوم، شماره اول، دفتر سوم، بهار-تابستان ۱۳۸۰، ص ۲۱۰-۲۱۱/۱۴-۱۵ p، یادآوری کردم. آقای محمد روشن در آن جلسه کنگره جوابی علنی نداد و دیگر او را ندیدم و نشنیدم.

در جلسه قبلی کنگره، ساعت ۱۵، در تالار فردوسی دانشکده، نوبت خواندن سخنرانی خودم «تعریف فردوسی در دست‌نوشته‌های کهن شاهنامه» بود. هنگام آن، شفاهاً، اشاره به موجودیت اصیل شاهنامه کتابخانه فلورانس، خدمت حاضران عرض کردم که «هر کسی بهشت را دوست دارد فردوسی را و ایران را دوست دارد». برسم استثنائی حاضران و شنوندگان به این بدیهه دستک زدند.

نسخه Cl. III. 24 شاهنامه مورخ ۶۱۴ه.ق. و نگه‌داشته در کتابخانه ملی مرکزی Nazionale Centrale Firenze (Biblioteca) فلورانس شاهدهی کهن از منظومه فردوسی است. نسخه‌شناسان و پژوهشگران و دانشمندان جهان آن را ارزیابی می‌کنند. اخیراً هم نسخه‌شناسان، کارشناسان و اساتید ایرانی برجسته اصالت روشن نسخه و صحت انجامه قشنگ آنرا مکرراً بررسی و تحقیق و تأیید کردند. رجوع شود به:

Abu'l Qasem Ferdowsi, *Shahnameh*, ed. by Djalal Khaleghi-Motlagh, *Daftar I*, Albany, State University of New York Press, 1988.

ابوالقاسم فردوسی، شاهنامه، به کوشش جلال خالقی مطلق، دفتر یکم، تهران، روزبهان، ۱۳۶۹. شاهنامه فردوسی، چاپ عکسی از روی نسخه کتابخانه ملی فلورانس ۶۱۴ه.ق.، تهران، دانشگاه تهران، دی ماه ۱۳۶۹، مقدمه دکتر علی رواقی، ص یازده تا چهل و چهار. ابوالقاسم فردوسی، شاهنامه محرم ۶۱۴ از دست‌نویس موزه فلورانس گزارش ابیات و واژگان دشوار، به قلم دکتر عزیزالله جوینی، تهران، دانشگاه تهران، سه جلد، ۱۳۷۵، ۱۳۷۷، ۱۳۸۰.

جلال خالقی مطلق، گل رنج های کهن، به کوشش علی دهباشی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۲.

برات زنجانی، «شاهنامه فردوسی و نسخه خطی کتابخانه ملی فلورانس (مورخ ۶۱۴ ق)»، نامه بهارستان، دفتر اول، بهار - تابستان ۱۳۷۹، ص ۹۷-۱۰۰.

نجیب مایل هروی، «فرهنگ تاریخی اصطلاحات نسخه شناسی (ترقیمه فارسی)»، نامه بهارستان، دفتر سوم، بهار - تابستان ۱۳۸۰، ص ۴۵-۵۰.

ایرج افشار، آیا «شاهنامه ۶۱۴»، «شاه نسخه» نیست؟، نامه بهارستان، دفتر سوم، ۱۳۸۰، ص ۲۰۸-۲۰۹.

عزیزالله جوینی، «شاهنامه فلورانس بحث انگیزترین دست نوشته»، نامه بهارستان، دفتر پنجم، بهار - تابستان ۱۳۸۱، ص ۲۰۶-۲۱۰.

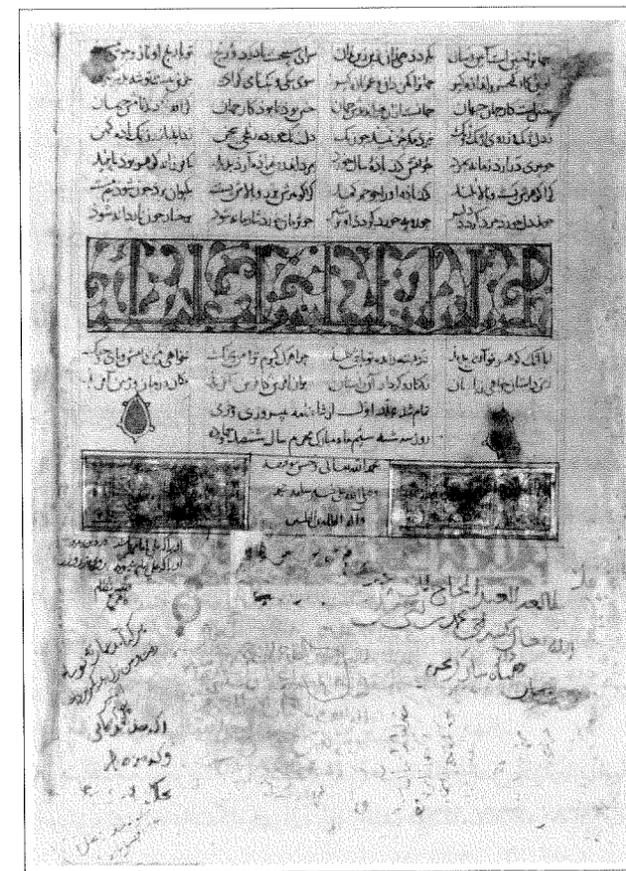
آیدین آغداشلو، «انجامه شاهنامه فلورانس»، نامه بهارستان، دفتر پنجم، ۱۳۸۱، ص ۲۱۱-۲۱۳.

تذکر می کنم که متن کامل سخنرانی این جانب، «تعریف فردوسی در دست نوشته های کهن شاهنامه»، که آن را موقع کنگره جهانی بزرگداشت فردوسی خوانده بودم، در سخنواره پنجاه و پنج گفتار پژوهشی به یاد دکتر پرویز ناتل خانلری، به کوشش ایرج افشار و هانس روبرت رویمر، تهران: توس، ۱۳۷۶، ص ۲۷۹-۲۸۶، نشر شد.

آنجلو میکله پیه مونته

Angelo Michele Piemontese

ر.م. ۳ ماه نوامبر ۲۰۰۳



انجامه شاهنامه فلورانس، مورخ ۶۱۴ هـ.

## چند نکته

### ۱. نسخه «غرائب الفنون»

□ در دفتر ششم (۱۳۸۱)، نامه بهارستان (ص ۵۰۳-۵۰۵) - که از معدود مجله های مورد علاقه من است - مطلبی درباره نسخه خطی کتاب «غرائب الفنون و ملاح العیون» به قلم آقای منصور صفت گل چاپ شده بود که در عین ارزش و فایده، توضیح بیشتری را برای اهل فن و علاقه مندان می طلبد.

این کتاب نه در «۲۸ ژوئن ۲۰۰۲ م.» که در حراج روز سه شنبه دهم اکتبر ۲۰۰۰ میلادی، در مؤسسه حراج کریستیز (Christie's) لندن به فروش رفته و عنوان حراج، «هنر اسلامی و نسخه های خطی» و شماره حراج، 6373 بوده است.

قیمت فروش کتاب مورد نظر در لیست نهایی این حراج دویست و دوازده هزار و هفتصد و پنجاه پوند ذکر شده که معلوم نیست قیمت چهارصد هزار پوندی که در مقاله آقای صفت گل آمده بر چه مبنایی بوده است. بهای تعیین شده اولیه برای ورود به حراج نیز بین صد و پنجاه تا دویست و پنجاه هزار پوند تعیین شده است.

دیگر اینکه در متن مقاله آمده است: «غرائب الفنون و ملاح العیون، احتمالاً در اواخر قرن پنجم هجری، شاید در دوره حاکمیت فاطمیان در مصر و مغرب و یاسیسیل یا در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم در مصر به زبان عربی تألیف شده است و مؤلف آن ناشناخته است.»

در متن کاتالوگ حراج کریستیز (ص 38)، اشاره می شود که بروکلمان (C. Brockleman)، عنوان طولانی تری را - غرائب الفنون و ملاح العیون و نزهة العشاق الطالب المشتاق فی الفلک و الاقلیم - ضبط کرده و نام مؤلف را «عبدالغنی ابن حسام الدین احمد العربانی المصری» آورده و اشاره کرده است (CAL, s. II, pp. 159-60) [تاریخ ادبیات عرب] که نسخه های دیگری از همین متن در کتابخانه های دیگری نظیر کتابخانه آمبروسیان و کتابخانه موصل دیده شده است.

تاریخ نگارش این نسخه هم اوایل قرن هفتم هجری/چهاردهم میلادی ذکر شده است. تصاویر رنگی و دقیق و واضح این نسخه را به خاطر تکمیل مقاله برایتان می فرستم. متن کاتالوگ را هم اگر خواستید ترجمه کنید که جهت مزید اطلاع مفید خواهد بود.

### ۲. شاهنامه فلورانس

□ در همین شماره، در یادداشتی از آقای محمد روشن در باب «نسخه شاهنامه فلورانس» (ص ۵۰۶) اشاره شده است که: «آقای مونته می گفت همچنان که مرحوم عباس اقبال آشتیانی حدس می زده، مقدمه معروف بایسنغری ساخته دوران او نیست، بلکه همین مقدمه، با این تاریخ، نشان از قدمت آن مقدمه می دهد با زبانی کهنه و واژه هایی از زبان پهلوی که در آن دیده می شود!» با در نظر گرفتن این که مرحوم عباس اقبال در سال ۱۳۳۴ شمسی در رم فوت کرده، معلوم نیست چنین اشاره ای به کتابی - یعنی به شاهنامه فلورانس - که سال ها پس از درگذشت او کشف شده به چه چیزی دلالت دارد؟! و این که آقای محمد روشن در انتهای مقاله آورده اند که مرحوم عباس اقبال از «محتوای نسخه و مقدمه بایسنغری وار آن» آگاهی داشته اند، آیا نوعی خلط در مبحث ایجاد نمی کند؟! همین طور است اشاره شان